

Historical analysis of the reports of the transfer of Jafar ibn Abi Talib's tutelage to Abbas ibn Abd al-Muttalib

Hussein Qazi Khani,¹

(DOI: [10.22034/skh.2024.19722.1571](https://doi.org/10.22034/skh.2024.19722.1571))

Abstract

Original Article
P 125 -143

Jafar ibn Abi Talib is one of the prominent figures in Islam, whom the Prophet also had a special affection for. Among the challenges raised in the history of his life is the entrusting of his guardianship to Abbas ibn Abdul Muttalib. The evaluation of the reports related to this claim is the central issue of this research. To achieve this, first of all, data collection and examination of their documents have been considered. Then, the issue of Abu Talib's poverty due to his family, which is the main reason for abandoning this guardianship, is historically explored, and finally, the manner of guardianship is examined. The findings indicate that the transfer of Jafar's guardianship to Abbas, despite being reflected in several ancient Sunni sources, is derived from a news whose first narrator, in addition to being among ibn Abbas's students, was not present at the time of the event. Abu Talib's family is also not accepted due to the small size of his family and the marriage of some of these children, so it is not possible to speak of his poverty due to his family. Especially since an examination of Abu Talib's financial situation does not indicate his poverty. The manner in which he requested guardianship is also not appropriate for Abu Talib's status as the head of Banu Hashim and one of the elders of Quraysh. It seems that this claim was made in response to the Prophet's guardianship of Imam Ali and in the competition between the Abbasid dynasty and the Talibs to diminish the status of Abu Talib.

Keywords: Jafar ibn Abi Talib, Prophet, Jafar's guardianship, Abu Talib, Abbas ibn Abdul Muttalib.

1. Assistant Professor, Shiite History Department, Institute of Islamic Sciences and Culture.

H.qazikhani@isca.ac.ir

Received: 2022/09/01 | Accepted: 2022/11/11



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

تحلیل تاریخی گزارش‌های وانهادن سرپرستی جعفر بن ابی طالب به عباس بن عبدالمطلب

حسین قاضی‌خانی^۱

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/SKH.2024.19722.1571](https://doi.org/10.22034/SKH.2024.19722.1571)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

ص: ۱۴۳/۱۲۵

چکیده

جعفر بن ابی طالب یکی از شخصیت‌های برجسته در اسلام است که پیامبر (ص) نیز محبت خاصی به ایشان داشته است. از جمله چالش‌های مطرح در تاریخ زندگانی ایشان سپرده شدن سرپرستی او به عباس بن عبدالمطلب است. ارزیابی گزارش‌های مرتبط با این ادعا، مساله محوری این پژوهش است. برای رسیدن به این مهم نخست جمع‌آوری داده‌ها و بررسی اسنادی آن‌ها مدنظر بوده است. آن‌گاه مساله فقر ابوطالب به سبب عیالواری که سبب اصلی وانهادن این سرپرستی معرفی شده است مورد کاوش تاریخی قرار گرفته است و در آخر نیز چگونگی سرپرستی بررسی شده است. یافته‌ها نشان از آن دارند که واگذاری سرپرستی جعفر به عباس علی‌رغم بازتاب در چندین منبع کهن اهل سنت برگرفته از خبری است که راوی نخست آن علاوه بر آن‌که در زمره شاگردان ابن عباس است خود نیز در زمان واقعه نبوده است. عیالواری ابوطالب نیز به سبب کم جمعیت بودن خانواده وی و ازدواج برخی از این فرزندان پذیرفته نیست لذا نمی‌توان از فقر او به دلیل عیالواری سخن گفت. به ویژه آن‌که بررسی وضعیت مالی ابوطالب نیز نشان‌گر فقر او نیست. نحوه درخواست سرپرستی نیز مناسب شأن ابوطالب به عنوان ریاست بنی‌هاشم و از بزرگان قریش نیست. به نظر طرح این ادعا در مقابل سرپرستی پیامبر (ص) برای امام علی (ع) و در رقابت خاندان عباسی با طالبیان برای کاستن از جایگاه ابوطالب بوده است.

کلمات کلیدی: جعفر بن ابی طالب، پیامبر (ص)، سرپرستی جعفر، ابوطالب، عباس بن عبدالمطلب.

^۱ . استادیار گروه تاریخ تشیع پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. H.qazikhani@isca.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۶ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰



مقدمه

جعفر یکی از فرزندان ابوطالب عموی رسول خداست. سبقت در اسلام، هجرت به حبشه، فرماندهی و شهادت در نبرد موته و سخنان پیامبر (ص) درباره شخصیت و جایگاه معنوی او، جعفر را به چهره‌ای شاخص و معیار در میان مسلمانان تبدیل کرده است. به دلیل نقش آفرینی ویژه جعفر در حوادث صدر اسلام و توجه رسول خدا (ص) به او، پرداختن به تاریخ زندگانی او اهمیتی دوچندان می‌یابد. **پرسش** محوری این پژوهش آن است که گزارش‌های وانهاده شدن سرپرستی جعفر به عباس بن عبدالمطلب چگونه ارزیابی می‌شوند؟ در راستای پاسخ‌یابی، این **شیوه پژوهش** پیموده می‌شود که پس از استقراء این دسته گزارش‌ها و ارزیابی استنادی آن، مدعای واگذاری به علت فقر ابوطالب به سبب عیالواری با داده‌های تاریخی مورد بررسی تحلیلی خواهد بود. آن‌گاه چگونگی واگذاری و پیامدهای آن نیز بررسی خواهد شد. **فرضیه‌های تحقیق** چنین‌اند که اولاً این گزارش علی‌رغم بازتاب در چند منبع کهن اهل سنت، تک‌خبر و غیر متصل به زمان واقعه است. ثانیاً در چرایی واگذاری، داده‌های تاریخی، فقر ابوطالب به سبب عیالواری مطرح شده را بر نمی‌تابند و ثالثاً در چگونگی وانهادن سرپرستی نیز نحوه برخورد با ابوطالب در شأن بزرگ‌خاندان و ریاست وی نمی‌باشد. لذاست که بیان این نوع روایات را باید در راستای همسان‌سازی با پذیرش سرپرستی امام علی (ع) توسط پیامبر (ص) در رقابت خاندان عباسی با طالبیان در کاستن از شأن ابوطالب دانست. در بررسی **پیشینه** ستار عودی در مدخل جعفر بن ابی طالب از دانش‌نامه جهان اسلام (عودی، ۱۳۷۵، ج ۱۰: ۴۰۵) و سید محمود سامانی و أحمد خامه‌یار در مدخل جعفر بن ابی طالب از دانش‌نامه حج و حرمین شریفین (سامانی، ۱۳۹۲، ج ۶: ۶) مسأله سرپرستی عباس بن عبدالمطلب برای جعفر را بدون نقد خاصی پذیرفته‌اند. بهرامیان در مدخل جعفر بن ابی طالب از دایرة المعارف بزرگ اسلامی پس از اشاره به وجود گزارشی مبنی بر عسرت ابوطالب و سپرده شدن کفالت جعفر به عباس، با بیان این‌که در سال‌های ابتدایی حکومت عباسیان به عباس موقعیت ویژه‌ای بخشیده شده است این گزارش را بدون بررسی تنها مشکوک خوانده است (بهرامیان، ۱۳۶۷، ج ۱۸: ۱۶۰). در این میان سید جعفر مرتضی‌العاملی در الصحيح من سيرة الإمام علی (ع) به هنگام بیان کفالة پیامبر (ص) برای امام علی (ع)، گزارش‌های مرتبط را مورد توجه قرار داده و چون در این گزارش‌ها سخن از واگذاری کفالت جعفر و عقیل نیز شده است به بررسی آن‌ها پرداخته است (العاملی، ۱۴۳۰، ج ۱: ۱۲۰-۱۲۹). اما این بررسی بیشتر از منظر کفالت پیامبر (ص) برای امام علی (ع) و مسائل مرتبط با آن است و ضمن مباحث از کفالت عباس برای جعفر نیز سخن به میان آمده است. در مقاله فراروی

تلاش آن است با شیوه تاریخ تحلیلی ابعاد مختلف گزارش‌های سرپرستی عباس از جعفر مورد بررسی قرار گیرند.

جعفر با کنیه ابوعبدالله (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۲۵) سومین پسر ابوطالب و فاطمه بنت اسد است (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱: ۹۷-۹۸). جعفر از سوی پیامبر (ص) القاب ابوالمساکین (ابونعیم، بی‌تا، ج ۱: ۱۱۷؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۷۲: ۱۳۰) و ذوالجناحین (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۴۲) یافته بود. رسول خدا (ص) جعفر را از خود می‌دانست و از منظر جسمی و اخلاقی او را شبیه خود می‌خواند (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۴: ۲۶-۲۷؛ أحمد بن حنبل، ۱۴۳۰، ج ۲: ۱۱۲۷؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲: ۱۱۷) و در کنار امام علی (ع) و حمزه او را از بهترین مردمان معرفی می‌کرد (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ۳۴). تاریخ تولد جعفر دانسته نیست. بر اساس ذکر سنش در زمان شهادت نیز نمی‌توان به سال تولد او دست یافت زیرا شهادتش را به اختلاف در سال‌های ۳۳ (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲: ۳۷۸؛ ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ۳۲)، ۳۴ (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ۳۲)، ۳۹ (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۴: ۲۵۶) و ۴۱ (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۴۵) گفته‌اند. بر این اساس که بیشتر گزارش‌ها فاصله سنی جعفر با امام علی (ع) را ده سال دانسته‌اند (ابن کلبی، ۱۴۰۷: ۳۰؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱: ۹۷؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۲۹۵) و با توجه به ولادت امام علی (ع) در سال سی عام الفیل (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۵۲؛ مفید، ۱۴۱۳، ج ۱: ۵؛ برای آگاهی از گزارش‌های تولد حضرت و نقد و بررسی آن‌ها ر.ک: مقدسی، ۱۳۹۱: ۱۸۴-۲۲۲)، تولد جعفر در بیستمین سال عام الفیل بوده است و سنش هنگام شهادت نیز ۴۱ سال خواهد بود.

در ارتباط با سرپرستی از جعفر در برخی منابع نخستین اهل سنت آمده است: قریش دچار بحران (قحطی) سختی شدند و ابوطالب مردی عیال‌وار بود. رسول خدا (ص) به عمویش عباس بن عبدالمطلب که از ثروتمندان بنی‌هاشم بود فرمود: برادرت ابوطالب عیال‌وار است و چنان‌که می‌بینی مردم به این سختی دچار گشته‌اند بیا نزد او برویم و از بار مسئولیتش بکاهیم. من یکی از پسران او را نزد خود میبرم و تو هم یکی دیگر را ببر. عباس این پیشنهاد را پذیرفت و هر دو نزد ابوطالب آمدند و گفتند: ما قصد داریم از بار مسئولیت شما نسبت به خانواده بکاهیم تا این مشکلی که پیش آمده برطرف گردد. ابوطالب گفت: عقیل را برای من بگذارید - و برخی گویند: گفت: عقیل و طالب را برای من بگذارید - و هر کدام را خواهید ببرید. پس رسول خدا (ص) علی (ع) را برگزید و عباس نیز جعفر را برداشت و به خانه بردند... جعفر نیز پیوسته در خانه عباس بود تا هنگامی که اسلام اختیار کرد و از عباس بی‌نیاز شد (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱: ۲۴۶؛ طبری، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۱۳؛ حاکم نیشابوری،

بی‌تا، ج ۳: ۵۷۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵: ۸۴).

بررسی خبر سرپرستی عباس بن عبدالمطلب از جعفر بن ابی طالب از منظر تاریخ تحلیلی

در راستای بررسی این گزارش از منظر تاریخ تحلیلی، از ابعاد گوناگون می‌توان این گزارش را مورد بررسی قرار داد:

۱. بررسی اسنادی: در این قسمت هدف آن است تا این خبر از منظر داده‌های مرتبط با

منبع خبر مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود گزارش یاد شده چه میزان از قوت استناد و هم‌پوشانی با اخبار مشابه برخوردار است.

۱/۱. خبری متکی به نقل غیر متصل به زمان واقعه: از منظر منبع با آن که این گزارش

در کهن‌نگاشته‌هایی مانند السیره النبویه، تاریخ الطبری، المستدرک علی

الصحیحین و الکشف و البیان آمده است اما نقل طبری (طبری، ۱۳۷۸، ج ۲:

۳۱۳)، حاکم نیشابوری (حاکم نیشابوری، بی‌تا، ج ۳: ۵۷۶) و ثعلبی (ثعلبی، ۱۴۲۲،

ج ۵: ۸۴) برگرفته از کتاب السیره النبویه (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱: ۲۴۶) است و لذا

این گزارش از منبعی واحد برآمده است که در بررسی راویان نیز مشخص می‌آید به

زمان واقعه متصل نیست.

از منظر راویان خبر، در سلسله گزارش‌گران، راوی نخست این ماجرا، مُجاهد بن جبر است که نه تنها خود شاهد این روی داد نبوده است بلکه در عصر واقعه نیز حضور نداشته است تا از روی دادن آن اطلاع یافته باشد. مجاهد تولد یافته در سال ۲۱ق و وفات یافته به سال ۱۰۳ق می‌باشد (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۶: ۱۹ - ۲۰؛ ابن حبان، ۱۳۹۳، ج ۵: ۴۱۹) و لذا نزدیک به چهار دهه از زمان واقعه فاصله دارد. او در زمان واقعه هنوز به دنیا نیامده است و می‌بایست خبر را از فرد دیگری نقل کرده باشد اما از راوی زمان ماجرا نامی به میان نیامده است. مهم‌تر آن که مجاهد از شاگردان ابن عباس معرفی شده است (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۶: ۱۹) و نقل خبر به حمایت از خاندان عباس از جانب وی به دور از ذهن نیست به ویژه آن که جعل و تحریف اخبار در فضای رقابت‌های خاندانی امری قرین به سابقه است (برای آشنایی با نمونه‌ای از این نوع نقش‌آفرینی‌ها ر.ک: فقهی‌زاده و صادقی، ۱۳۹۳: ۱۳۵ - ۱۵۹؛ هدایت‌پناه، ۱۳۹۱: ۱۴۱ - ۲۱۵).

۱/۲. یاری نشدن با گزارش‌های هم‌راستا: از جمله قرائنی که می‌تواند به تقویت خبر

تاریخی به ویژه در زمان وجود مشکل اسنادی کمک‌رسان باشد هم‌پوشانی و تقویت

با گزارش‌های تاریخی هم‌راستا است. به این معنا که اخباری دیگر به ویژه از سایر

منابع، ضمن تأیید اجمالی گزارش مورد بررسی، پوشش دهنده جوانب دیگری از آن باشند.

از این منظر نیز گزارش وانهاده شدن سرپرستی جعفر به عباس با مشکل مواجه است زیرا اخبار موجود در این باره هم‌راستا با این گزارش نیستند. طبق گزارش‌هایی که هم منابع کهن (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ۴۱؛ گزارشی مشابه بدون بحث مساله مالی: قاضی نعمان، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۸۸) و هم منابع قرون میانی (منظور منابعی هستند که در سده‌های ششم به بعد نگارش یافته‌اند؛ مانند: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۷۹ - ۱۸۰؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۵) آن را بازتاب داده‌اند پیامبر (ص) با عموهای خود حمزه و عباس درباره کاستن از بار زندگی ابوطالب سخن گفت و حمزه سرپرستی جعفر و عباس سرپرستی طالب را پذیرفتند.

در بررسی، این دسته گزارش‌ها با چند چالش مهم مواجه هستند. اول آن‌که طبق اخبار فاصله سنی پسران ابوطالب که در ابتدای مقاله گذشت، طالب حداقل در آستانه سی سالگی بوده است و به صورت طبیعی در این بازه زمانی نمی‌بایست مخارج او بر عهده پدر باشد تا سرپرستی وی به فرد دیگری واگذار شود. دوم آن‌که در این خبرها ادعا شده است جعفر پیوسته با حمزه بود تا این‌که حمزه به شهادت رسید؛ ادعایی که از منظر تاریخی درست نیست. زیرا شهادت حمزه در سال سوم هجری در نبرد احد در مدینه رخ داد (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۰۰) اما جعفر در سال پنجم بعثت همراه مهاجران به حبشه رفت بود (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲: ۳۲۳؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۲۴) و سال هفتم بعثت پس از نبرد خیبر به مدینه بازگشت (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲: ۳۵۹؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۲: ۸۲). فاصله زمانی هجرت جعفر و شهادت حمزه نزدیک به ده سال بود و اینان در این مدت از هم دور بوده‌اند و معنی ندارد که سرپرستی جعفر با حمزه باقی باشد. ضمن آن‌که جعفر در سفر به حبشه دارای خانواده بوده است و آمده است ابوطالب تا زمان مرگ در تأمین معاش خانواده یاری‌رسان فرزندان در حبشه بوده است (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۲۴).

گزارش‌هایی دیگر، باز هم از کهن‌نگاشته‌های تاریخی (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۳۴۶) و منابع قرن‌های میانی (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۸۰)، تنها از سرپرستی پیامبر نسبت به امام علی (ع) سخن گفته‌اند. حاصل بررسی‌ها در مجموع گزارش‌ها آن است که سرپرستی عباس برای جعفر امری مورد اتفاق در گزارش‌های هم‌مسو نیست چرا که در برخی گزارش‌ها فقط از سرپرستی پیامبر (ص) نسبت به امام علی (ع) و در دسته‌ای دیگر از سرپرستی حمزه برای جعفر و عباس برای طالب در کنار رسول خدا (ص) برای علی (ع) سخن به میان آمده است و تنها در گزارش مورد بررسی

از سرپرستی عباس برای جعفر سخن گفته شده است.

۱/۳. بازتاب برجسته در منابع اهل سنت:

در بررسی مشخص می‌شود منابع اهل سنت بازتاب دهنده و برجسته کننده این خبر هستند. در منابع کهن اهل سنت، ابن هشام (۲۱۸ق)، طبری (۳۱۰ق)، حاکم نیشابوری (۴۰۵ق)، ثعلبی (۴۲۷ق)، بیهقی (۴۵۸ق) (بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۱۶۲) و ابن عبدالبر (۴۶۳ق) (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۱: ۳۷) در قرن های سوم تا پنجم نقل کننده این خبر هستند. در صدهای بعدی این خبر در آثار سهیلی (۵۸۱ق) (سهیلی، ۱۴۱۲، ج ۳: ۷-۸)، ابن اثیر (۶۳۰ق) (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲: ۵۸) ابوالربیع حمیری (۶۳۴ق) (حمیری، ۱۴۲۰، ج ۱: ۱۷۰)، ابن سید الناس (۷۳۴ق) (ابن سید الناس، ۱۴۱۴، ج ۱: ۱۱۱)، ابن کثیر (۷۷۴ق) (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۳: ۲۵) و صالحی دمشقی (۹۴۲ق) (صالحی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۳۰۱) بازنگارش می‌شود. این در حالی است که در منابع شیعه در قرن چهارم ابوالفرج اصفهانی (۳۵۶ق) و قاضی نعمان (۳۶۳ق) خبری مشابه این را گزارش کرده‌اند بدین گونه که ابوالفرج از سرپرستی عباس برای طالب و قاضی نعمان در یک خبر از سرپرستی عباس برای عقیل و در خبر دوم از سرپرستی او برای جعفر سخن به میان آورده‌اند با این تفاوت که در گزارش قاضی نعمان بحث مالی برای ابوطالب مطرح نیست (ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۴۱؛ قاضی نعمان، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۸۸). شیخ صدوق (۳۸۱ق) نیز در این قرن دقیقاً گزارش ابن هشام را بازتاب داده است (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۶۹). بازنگارش این خبر در منابع صدهای بعدی شیعی توسط فتال نیشابوری (۵۰۸ق) (فتال، ۱۳۷۵، ج ۱: ۸۶)، طبرسی (۵۴۸ق) (طبرسی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۰۵-۱۰۶)، ابن شهر آشوب (۵۸۸ق) (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۷۹)، ابن طاووس (۶۶۴ق) (ابن طاووس، ۱۴۰۰، ج ۱: ۱۷) و اربلی (۶۹۲ق) (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۷۹) به مانند شیخ صدوق دقیقاً بازنگارش گزارش ابن هشام است که نشان از راه یافتن این خبر از طریق منابع اهل سنت به منابع شیعه است.

۲. شغل و وضعیت مالی ابوطالب: جنبه‌ای از گزارش یاد شده در ارتباط با وضعیت مالی و

شغل ابوطالب است لذا بررسی وضعیت مالی ابوطالب می‌تواند زوایایی برای تحلیل گزارش بگشاید.

منطقه مکه به دلیل شرایط خاص جغرافیایی برای کشاورزی مناسب نبوده است و قریشیان از دیرباز با تجارت روزگار می‌گذانیدند. سفرهای تجاری قریش از مؤلفه‌های نفوذ اجتماعی و قدرت سیاسی ایشان در عصر پیش از اسلام در منطقه بود که رونق اقتصادی را نیز برای مکیان فراهم

آورده بود (برای مطالعه: ناظمیان فرد، ۱۳۸۸ : ۱۰۳ - ۱۲۳). ابوطالب نیز به مانند بسیاری از اهالی مکه و نیاکان خود (طبری، ۱۳۷۸، ج ۲ : ۲۵۲) پیشه تجارت داشت. نمونه‌ای از سفر تجاری ابوطالب همراه کاروان تجاری قریش در وقایع دوران کودکی رسول خدا (ص) قابل مشاهده است (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱ : ۱۸۰). در پیشه تجارت، ابوطالب را فروشنده عطر دانسته‌اند که گاه گندم نیز معامله می‌کرده است (ابن قتیبه، ۱۹۹۲ : ۵۷۵).

در ارتباط با وضعیت مالی با آن‌که در برخی گزارش‌ها سخن از تنگ‌دستی ابوطالب به میان است (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲ : ۱۴) اما این تنگ‌دستی به معنی فقر و عدم تامین معاش خانواده نمی‌تواند باشد. چگونه می‌توان او را تهی دست شمرد در حالی که آمده است ابوطالب کسی بود که اطعام بر دیگران داشت و در روز اطعام ابوطالب فرد دیگری از قریش اطعامی نمی‌کرد (بالذری، ۱۴۱۷، ج ۲ : ۲۸۷). همچنین ابوطالب کسی است که در هنگام خطبه عقد حضرت خدیجه (س) برای برادرزاده‌اش رسول خدا (ص)، خود را عهده‌دار پرداخت مهریه این بانو می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵ : ۳۷۴ - ۳۷۵). مهمتر آن‌که در ماجرای شعب ابی‌طالب و محاصره اقتصادی سه ساله بنی‌هاشم و بنی‌مطلب در آن شرایط بسیار سخت نام ابوطالب در کنار نام رسول خدا (ص) و حضرت خدیجه (س) آمده است که با اتفاق اموال خود توانستند بخشی از مشکلات را مدیریت کنند (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲ : ۳۱). حتی آمده است چون جعفر به همراه خانواده به حبشه مهاجرت کرد ابوطالب تا زمان مرگ در تامین مخارج زندگی کمک حال فرزندش بود (بالذری، ۱۴۱۷، ج ۱ : ۲۲۴).

یکی از شواهدی که ممکن است بر تهی‌دستی ابوطالب اقامه شود سخن از قرض گرفتن او از برادرش عباس است. اما باید دانست این قرض گرفتن به جهت ساماندهی امور منزل نبوده است بلکه چون ابوطالب بعد از مرگ زبیر بن عبدالمطلب ریاست بنی‌هاشم را عهده‌دار شد سرپرستی دو منصب آب‌رسانی به حاجیان (سقاییت) و پذیرایی از آنان (رفادت) نیز به عنوان دو منصب اجتماعی خاندان عبدمناف در اختیار او قرار گرفت (همان، ج ۱ : ۵۷). دو منصبی که به دلیل جنبه اجتماعی و مرتبط بودنش با بحث حج برای اداره کردن نیازمند هزینه زیادی بود به گونه‌ای که بعدها در عصر خلافت هزینه رفادت از بیت المال تامین می‌شود (همان). لذا به دلیل همین هزینه زیاد است که ابوطالب برای اداره این دو منصب از برادرش عباس در یک سال ده هزار درهم و در سال بعد پانزده هزار درهم قرض کرد و چون سال سوم نتوانست این بدهی را بازگرداند اداره آن مناصب را به وی وانهاد (همان، ج ۱ : ۶۴).

با توجه به شواهد یاد شده سخن از تنگ‌دستی ابوطالب را نباید در ارتباط با اداره امور منزل تعبیر

کرد بلکه در مقایسه با اشراف قریش بوده است که دارای ثروت زیادی بوده‌اند. سخن حضرت علی (ع) نیز این است که پدرش با وجود عدم مال بر قریش سیادت داشته و مورد اطاعت بوده است (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲: ۱۴).

۳. بررسی سختی معیشت ابوطالب به سبب عیالواری: ادعای گزارش یاد شده آن

است که به سبب تعداد زیاد افراد تحت تکفل ابوطالب تامین مخارج زندگی وی با دشواری مواجه بود و پذیرفتن سرپرستی فرزندانش به جهت کاستن از بار مالی خانواده او صورت گرفته است. ادعایی که بررسی تعداد فرزندان ابوطالب روشن کننده صحت و سقم آن می‌تواند باشد.

۳/۱. تعداد فرزندان ابوطالب: آنچه دیرین‌نگاشته‌های نسب‌شناسانه بر آن اتفاق دارند

آن است که برای ابوطالب پسرانی به نام‌های طالب، عقیل، جعفر، علی (ع) و دخترانی به نام‌های ام‌هانی (هند یا فاخته) و جمانه بوده است و مادر تمامی این فرزندان فاطمه بنت اسد است (ابن کلبی، ۱۴۰۷: ۳۰؛ زبیری، ۱۹۹۹: ۳۹-۴۰؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۲۹۵-۲۹۶؛ ابن صوفی، ۱۴۲۲: ۱۸۷-۱۹۲). طلیق پسر دیگری است که برخی برای ابوطالب از مادری کنیز به نام «عله» (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱: ۹۸) ذکر کرده‌اند که در کودکی از دنیا رفته است (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۲۹۶) و برخی دیگر از عدم اطمینان بر وجود چنین فرزندی برای ابوطالب سخن گفته‌اند (ابن صوفی، ۱۴۲۲: ۱۹۲). ام‌طالب دختر دیگری است که ابن سعد برای ابوطالب و فاطمه بنت اسد آورده است و احتمال داده است نامش رابطه باشد (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۸: ۳۹). داده‌های منابع بعدی نیز درباره ام‌طالب برگرفته از این سخن ابن سعد است (ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۸: ۴۲۳).

در ارتباط با طلیق بر فرض پذیرش تولد، چون با توجه به همان تک‌گزارش‌ها در کودکی از دنیا رفته است لذا در زمان این واقعه در شمار افراد تحت تکفل ابوطالب نبوده است. در گزارش‌های سرپرستی نیز نامی از طلیق به میان نیست. در مورد ام‌طالب یا رابطه مشکل آن است که افزون بر عدم ذکر نام چنین شخصی در میان فرزندان ابوطالب در کتاب‌های نسب‌شناسی، آثار تاریخی نیز یادکرد خاصی از وی ندارند. تنها در کتاب مغازی آمده است که پیامبر (ص) سهمی از غنایم خیبر به وی داد (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۶۹۴). ابن سعد نیز ضمن اذعان به نبود نام ام‌طالب در آثار نسب‌شناسان سخن خود در مورد ام‌طالب را به ذکر نام وی در کتاب مغازی واقدی کرده

است (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۸: ۳۹). این در حالی است که دو دختر دیگر ابوطالب افرادی شناخته شده در تاریخ هستند و منابع تاریخی اخبار زیادی از ایشان را بازتاب داده‌اند. بر این اساس است که برخی کهن نگاشته‌ها تنها چهار پسر و دو دختر برای ابوطالب ذکر کرده‌اند و از طلیق و ام‌طالب سخنی به میان نیاورده‌اند (زبیری، ۱۹۹۹: ۳۹-۴۰؛ مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۳۵۰).

بر این اساس فرزندان ابوطالب شش نفر بوده‌اند و خانواده ابوطالب در مقایسه با خانواده افرادی مانند پدرش عبدالمطلب که دارای شانزده فرزند بود (زبیری، ۱۹۹۹: ۱۷-۱۸) و برادرش عباس که دوازده فرزند داشت (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۴: ۳۰-۳۱) پر جمعیت به شمار نمی‌آید. همچنین تمامی فرزندان ابوطالب از فاطمه بنت اسد گفته شده‌اند و تنها مادر طلیق را کنیز دانسته‌اند این در حالی است که فرزندان عبدالمطلب و عباس از مادرانی چند بوده‌اند لذا در تعداد همسر نیز ابوطالب عهده‌دار مخارج چندین همسر نبوده است.

۲/۳. فرزندان تحت تکفل ابوطالب در زمان واقعه: گزارش یاد شده دلیل سرپرستی را

کاستن از مخارج زندگی ابوطالب به دلیل عیالواری بیان می‌کند. پس از بررسی تعداد فرزندان و همسران ابوطالب کاویدن امر سرپرستی مالی آنان در زمان واقعه کمک‌رسان پاسخ‌یابی ادعای مطرح شده می‌باشد.

ام‌هانی به دلیل ازدواج در آن بازه زمانی از سرپرستی مالی ابوطالب خارج بوده‌اند. ام‌هانی در جاهلیت و در دوران جوانی رسول خدا (ص) با هییره‌بن ابی‌وهب مخزومی ازدواج کرد (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۸: ۱۲۰؛ ابن حبیب، بی تا: ۹۷-۹۸) و به همین دلیل در زمان سرپرستی پیامبر از امام علی (ع)، همسر هییره و در منزل وی بود. طبق بیشتر منابع کهن میان پسران ابوطالب هر کدام ده سال فاصله سنی وجود داشته است (ابن کلی، ۱۴۰۷: ۳۰؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱: ۹۷؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۲۹۵؛ ابن صوفی، ۱۴۲۲: ۱۹۲؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۳: ۱۰۹۰؛ مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۳۵۰) تک گزارشی نیز از فاصله نه ساله میان امام علی (ع) و جعفر و فاصله سنی چهار ساله میان جعفر و عقیل سخن به میان آورده است (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۲۹۵-۲۹۶). از آن‌جا که سپرده شدن سرپرستی در خردسالی امام علی و حدود شش سالگی ایشان گفته شده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۸۰؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۵) لذا بر اساس فاصله سنی مشهور که از پشتوانه کثرت منابع نیز برخوردار است طالب در دهه چهارم عمر خود بوده و نمی‌بایست بار مسئولیت اقتصادی وی بر عهده ابوطالب بوده باشد. عقیل نیز در سومین دهه زندگی بوده است و در سن تشکیل خانواده است و می‌بایست به عنوان بازوی اقتصادی خانواده نگریسته شود. بر اساس تک

گزارش تفاوت سنی غیر ده سال نیز باز طالب و عقیل فراتر از سن وابستگی اقتصادی هستند. از داده‌های مرتبط با جمانه نمی‌توان حدود سن وی را در ارتباط با این واقعه مشخص کرد. تنها چون امام علی (ع) را کوچکترین فرزند ابوطالب گفته‌اند (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۳: ۱۰۹۰) جمانه نیز می‌بایست از ایشان بزرگتر بوده باشد. جعفر نیز دومین دهه از عمر خویش را سپری می‌کرده است و در آخرین سال‌های نوجوانی بوده است.

بر اساس مجموع داده‌ها، ام‌هانی و طالب خود دارای خانواده جدا بوده‌اند و عقیل نیز در سنی است که نمی‌توان وی را تنها وابسته اقتصادی دانست. با توجه به آن‌که سن جمانه و احتمال ازدواج وی مشخص نیست تنها جمانه، جعفر و امام علی (ع) را می‌توان در سنی دانست که نیازمند سرپرستی خانواده و حمایت مالی ابوطالب بوده‌اند. لذا نمی‌توان از فقر ابوطالب به دلیل عیالواری سخن به میان آورد.

۴. واگذاری سرپرستی و جایگاه اجتماعی ابوطالب: با توجه به ساختار نظام قبیله‌ای

یکی از موضوعاتی که توجه به آن می‌تواند یاری‌رسان محقق در بررسی این گزارش باشد جایگاه اجتماعی ابوطالب در میان طائفه بنی‌هاشم و قبیله قریش و نحوه واگذاری سرپرستی مطرح شده در این گزارش است.

۴/۱. ابوطالب زعیم بنی‌هاشم: با مرگ عبدالمطلب طبق وصیت او فرزندش زبیر جانشین

پدر در امور حکمرانی و تولید کعبه شد (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲: ۱۳). سرپرستی منصب آب‌رسانی به حاجیان (سقاییت) و پذیرایی از آنان (رفادت) به عنوان دو منصب اجتماعی در اختیار خاندان عبدمناف نیز در اختیار زبیر قرار گرفت (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱: ۶۴). در نبرد فجار زبیر به عنوان رئیس بنی‌هاشم حضور داشت (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲: ۱۵)؛ هر چند که گفته شده است حضورش به اکراه بود و بر این کار مجبور شد (همان). در ماجرای ستم بر مردی از بنی‌زبید چون بنی‌هاشم، بنی‌زهره و بنی‌تیم گرد هم آمدند این زبیر بن عبدالمطلب بود که نخست آنان را به بستن پیمان حمایت از مظلوم فراخواند و حلف الفضول شکل گرفت (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۰۳؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۲۷۸).

زبیر، ابوطالب و عبدالله از یک مادر بودند (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱: ۹۳). ابوطالب در دوران زعامت برادرش زبیر بر بنی‌هاشم از جایگاه والایی برخوردار بود به گونه‌ای که گفته شده است عبدالمطلب سقاییت زمزم را به ابوطالب سپرد (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲: ۱۳) و او بود که مانع حضور بنی‌هاشم در نبر

فجار بود چرا که نبرد را در ماه حرام ناروا و شکستن حرمت ایام می دانست (همان، ج ۲: ۱۵). با مرگ زبیر برادرش ابوطالب جانشین او شد زیرا همان گونه که عبدالمطلب به زبیر وصیت کرد و او جانشین پدر در امور قبیله ای شد زبیر نیز به برادرش ابوطالب وصیت کرد (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱: ۶۶). منصب سقایت و رفادت نیز به عنوان دو منصب اجتماعی خاندان عبدمناف در اختیار ابوطالب قرار گرفت (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱: ۵۷). به سبب این جایگاه اجتماعی است که به هنگام تعمیر کعبه جناب ابوطالب قریشیان را ندا داد که تنها می بایست از اموال پاکیزه خود هزینه تعمیر خانه خدا را فراهم آورند و قریش نیز خواسته او را اجابت کردند (یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۱۹). جایگاه اجتماعی ابوطالب در میان قریشیان چنان بود که در روزی که او اطعام داشت فرد دیگری از قریش اطعامی نمی کرد (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۲۸۷). در دوران رسالت نیز سران قریش در مواجهه با دعوت رسول الله (ص) خواسته های خود را با ابوطالب در میان می نهادند (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱: ۲۶۵). در ماجرای محاصره اجتماعی و اقتصادی مشرکان ضد بنی هاشم و بنی مطلب آنان نزد ابوطالب گرد آمدند و همراه او در شعب ابی طالب سکنی گرفتند (طبری، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۳۶). این شواهد نشان از آن دارد که ابوطالب ریاست خاندان قریش را عهده دار بوده است.

۴/۲. چگونگی واگذاری سرپرستی: شیوه واگذاری سرپرستی فرزندان ابوطالب و مدت

زمان آن در گزارش یاد شده یکی دیگر از چالش های فراروی آن است.

در خبر یاد شده آمده است: قریش دچار بحران سختی شدند و ابوطالب مردی عیال وار بود. رسول خدا (ص) به عمویش عباس که از ثروتمندان بنی هاشم بود فرمود: برادرت ابوطالب عیال وار است و چنان که می بینی مردم به این سختی دچار گشته اند بیا نزد او برویم و از بار مسئولیتش بکاهیم. من یکی از پسران او را نزد خود می برم و تو هم یکی دیگر را ببر. عباس این پیشنهاد را پذیرفت و هر دو نزد ابوطالب آمدند و گفتند: ما قصد داریم از بار مسئولیت شما نسبت به خانواده بکاهیم تا این مشکلی که پیش آمده برطرف گردد.

این نحوه گفتگو برای یاری رسانی به ابوطالب متناسب با شخصیت و جایگاه اجتماعی ابوطالب به عنوان زعیم هاشمیان در میان قریش نیست. ابوطالب از بزرگان قریش و از سوی آنان مورد اطاعت بود (یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۱۴). چنان که گذشت جایگاه ابوطالب در سخاوتمندی و بخشش در میان قریشیان نیز چنان بود که آورده اند در روزی که او اطعام داشت فرد دیگری از قریش اطعامی نمی کرد. همچنین ابوطالب سال ها سرپرستی پیامبر (ص) را عهده دار بود. حال بر فرض دچار تنگ دستی نیز شده باشد شایسته آن بود که جایگاه اجتماعی وی حفظ شود نه این که در عمل نظم

خانواده وی با واگذاری سرپرستی فرزندانش گسیخته گردد.

نکته دیگر آن که اگر پذیرش سرپرستی برای رفع مشکل مالی ابوطالب در سالی که قریش دچار بحران شده بوده باشد، چه لزومی داشته است که این سرپرستی ادامه یابد و جعفر تا زمان اسلام اختیار کردنش تحت سرپرستی عباس باشد. چنان‌که گذشت برخی واقعه سرپرستی را حدود شش سالگی امام علی (ع) گفته‌اند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۸۰). بر اساس تولد امام علی (ع) ده سال پیش از بعثت (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱: ۵) لازم می‌آید اگر جعفر در زمره نخستین مسلمانان هم باشد حداقل ۴ تا ۵ سال اختیار سرپرستی وی با عباس بوده باشد. اگر وقوع این ماجرا را در سال‌های کودکی امام علی بدانیم قاعدتا بر این سال‌های سرپرستی افزوده خواهد شد.

۵. **پیامد نداشتن سرپرستی عباس از جعفر:** همان‌گونه که واقعه بدون دلیل اتفاق

نمی‌افتد و بررسی چرایی روی دادن آن بخشی از تحلیل واقعه است؛ بروز هر حادثه‌ای نیز

بدون پیامد نخواهد بود و توجه به پیامدها نیز بخشی از بررسی واقعه است.

در ارتباط با سرپرستی پیامبر (ص) پس از درگذشت عبدالمطلب، برخی گزارش‌ها از قرار گرفتن این وظیفه بر عهده زبیر بن عبدالمطلب سخن به میان آورده‌اند و حتی گفته شده است زبیر تا زمان مرگ خود این مسئولیت را عهده‌دار بوده است (بالذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۹۳). زبیری که بعد از پدر ریاست بنی‌هاشم را عهده‌دار شده بود (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱: ۶۹) و به مانند ابوطالب برادر تری عبدالله بود (بالذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۹۳). در کنار فزونی گزارش‌های سرپرستی ابوطالب، یکی از مسائلی که می‌تواند این خبر را به چالش بکشد پیامد نداشتن سرپرستی زبیر در داده‌های منابع است. بدین معنا که اگر زبیر این سرپرستی را عهده‌دار بود لاجرم در ذکر حوادث زندگانی پیامبر (ص) به ویژه روزگار کودکی و نوجوانی این سرپرستی نمود بیرونی خود را نشان می‌داد چنان‌که در ارتباط با جناب ابوطالب گزارش‌های فراوانی از نحوه رسیدگی به رسول خدا (ص) در منابع بازتاب دارند. نمونه دیگر پذیرش سرپرستی امیرالمؤمنین (ع) توسط رسول خدا (ص) است که می‌توان پیامدهای آن را در گزارش‌های تاریخی مشاهده کرد (صبحی صالح، ۱۴۱۴: ۳۰۰).

سخن از واگذاری سرپرستی جعفر بن ابی طالب به عباس بن عبدالمطلب در حالی است که در بررسی منابع کهن در ارتباط با حوادث زندگانی جعفر از نقش آفرینی عباس داده‌ای فراچنگ نمی‌آید (برای نمونه بنگرید: ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۴: ۲۵ - ۳۱؛ ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ۲۵ - ۳۵؛ ابن عبد البر، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۴۲ - ۲۴۵). تا بر اساس آن بتوان ارتباط ویژه‌ای میان جعفر و عباس یافت که مرتبط با این سرپرستی باشد. این بروز برونی نیافتن در حالی است که طبق گزارش مورد

بررسی، ایام سرپرستی کوتاه نبوده و تا زمان بعثت پیامبر(ص) و اسلام آوردن جعفر ادامه داشته است و همچنین جعفر در این سال ها نیز پیوسته با عباس بوده است (ابن هشام، بی تا، ج ۱: ۲۴۶؛ طبری، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۱۳). در نمونه ای بارز در ماجرایی رقابت محمد بن عبدالله (۱۴۵ق) با منصور عباسی (۱۵۸ق) بر سر خلافت که به نامه نگاری و بیان فخر خاندانی میان این دو منجر شد سخنی از سرپرستی عباس برای جعفر به میان نمی آید و این در حالی است که منصور از افتخارات خاندانی خود بر طالبیان فروگذار نکرده است و از کمک رسانی عباس به طالب و عقیل سخن به میان آورده است (طبری، ۱۳۷۸، ج ۷: ۵۶۸ - ۵۷۱).

۶. مقابله با سرپرستی پیامبر(ص) از امام علی(ع): به نظر می رسد طرح مسأله

سپردن سرپرستی فرزندان ابوطالب به سبب فقر به برخی از افراد بنی هاشم بی تاثیر با سرپرستی پیامبر(ص) از امام علی(ع) صورت نگرفته باشد.

سرپرستی رسول خدا(ص) از امام علی(ع) در زمره فضیلت های امام بوده است که ایشان بدان افتخار می کرده است و آن را از اختصاصات خود برمی شمرده است. آن جا که در نهج البلاغه در کلام امیرالمؤمنین(ع) آمده است: «شما از منزلت من در نزد رسول الله(ع) آگاه هستید، هم از جهت خویشاوندی و هم از جهت حرمت خاصی که برای من می شناخت. من خردسال بودم که مرا نزد خود می نشاند و بر سینه خود می چسباند و در کنار خود می خواباند و تن من به تن او می سایید و بوی خوش او را استشمام می کردم. گاه چیزی را می جوید و در دهان من می نهاد. او هرگز نه دروغی را از من شنید و نه در رفتارم خطایی دید» (صبحی صالح، ۱۴۱۴: ۳۰۰). این تحت سرپرستی بودن امام علی(ع) توسط پیامبر(ص) در گزارش هایی از منابع کهن مانند السیره النبویه ابن هشام (ابن هشام، بی تا، ج ۱: ۲۴۵) و تاریخ طبری (طبری، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۱۳) از نعمت های خداوند بر امام دانسته شده است.

طبق برخی گزارش ها پیامبر(ص) سرپرستی یکی از فرزندان ابوطالب را بی آن که بحث فقر به میان باشد درخواست می کند تا آن فرزند در کارهای حضرت کمک رسان ایشان باشد و امور ایشان را کفایت کند. ابوطالب پاسخ می دهد هر کدام را که می خواهی برگزین و پیامبر(ص) امام علی(ع) را انتخاب می کند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۸۰). حال با پیش کشیده شدن چنین خبری گویا پیامبر تابع جبر زمانه تنها برای رهایی عموی خویش از فقر چنین کاری را انجام داده است و هیچ نگاه ویژه ای به امام علی(ع) نداشته است و همچنین ایشان در این ماجرا تنها نبوده است و عباس نیز سرپرستی جعفر را بر عهده گرفته است.

۷. رقابت‌های سیاسی خاندانی عباسی با علویان: رقابت عباسیان با علویان در مسأله

خلافت یکی از عواملی است که در گزارش‌های تاریخ صدر اسلام در جایگاه بخشیدن به عباس و کاستن از جایگاه ابوطالب تاثیرگذار بوده است.

در نامه‌نگاری‌های محمد نفس زکیه و منصور عباسی در نزاع بر سر خلافت این مسأله به وضوح قابل مشاهده است. محمد ویژگی‌های خاندان علوی و برتری‌های آنان را برمی‌شمارد و منصور تلاش دارد در مقابل عباس و عباسیان را در جاهلیت و اسلام برتر نشان دهد (برای اطلاع بنگرید: طبری، ۱۳۷۸، ج ۷: ۵۶۷ - ۵۷۱).

شاهد بر مسأله این مقاله، چون محمد از حضور عباس در جنگ بدر در برابر مسلمانان یاد کرده بود منصور در مقابل برای زدودن این چالش از این صحبت می‌کند که با آمدن اسلام عباس کمک حال ابوطالب بود و خرج زندگی وی را می‌داد و در ادامه بیان می‌کند اگر عباس در بدر نبود عقیل و طالب جیره خوار عتبه و شیبه می‌شدند (طبری، ۱۳۷۸، ج ۷: ۵۷۱). منصور نه تنها حضور عباس در بدر را برای خاندان خود مایه سرشکستگی نمی‌داند بلکه به سبب رقابت خاندانی با طالبیان، اقدام عباس بر اطعام سپاه مشرکان در بدر را از افتخارات خاندان عباسی برمی‌شمارد و مدعی می‌گردد عباس با اطعام خود ننگ و عار را از فرزندان ابوطالب برداشته است.

نتیجه

واگذاری سرپرستی جعفر به عباس بن عبدالمطلب یکی از ابهام‌های تاریخ زندگی این شخصیت مهم اسلام است. دلیل این واگذاری فقر ابوطالب به سبب عیالواری بیان شده است و این که همزمان رسول خدا(ص) و عباس سرپرستی امام علی(ع) و جعفر را پذیرفتند. در بررسی این خبر مشخص شد با آن که گزارش در چندین منبع کهن اهل سنت بازتاب دارد اما تک خبری است که سلسله گزارش‌گران آن نیز به زمان واقعه نمی‌رسند. ضمن آن که نخستین راوی از شاگردان ابن عباس است و احتمال روایت‌سازی به سود عباسیان منتفی نیست. فقر ابوطالب به سبب عیالواری نیز در بررسی تاریخی به دلیل کم جمعیت بودن خانواده او و اندک بودن افراد وابسته در اقتصاد به ایشان در زمان واقعه، ادعایی پذیرفتنی نیست ضمن این که بررسی وضعیت مالی ابوطالب نیز نشانی از فقر ندارد. همچنین نحوه سرپرستی و زمان آن نیز با چالش‌هایی مانند عدم رعایت جایگاه ابوطالب مواجه است. در مجموع به نظر می‌رسد وانهادن سرپرستی جعفر، در مقابل سرپرستی رسول خدا(ص) از امام علی(ع) و همچنین در رقابت‌های خاندانی عباسیان با علویان در کاستن از شأن ابوطالب طراحی شده باشد.

منابع:

١. ابن ابی الحديد، عبدالحميد بن هبة الله (١٤٠٤). شرح نهج البلاغه، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
٢. ابن أثير، علي بن أبي الكرم (١٣٨٥). الكامل في التاريخ، بيروت، دار صادر - دار بيروت.
٣. ابن حبان، محمد (١٣٩٣). الثقات، حيدر آباد دكن، مؤسسة الكتب الثقافية.
٤. ابن حبيب، محمد (بي تا). كتاب المحبر، بيروت، دار الأفاق الجديدة.
٥. ابن حجر عسقلاني (١٤١٥). الإصباح في تمييز الصحابه، بيروت، دار الكتب العلمية.
٦. ابن سعد، محمد بن سعد بن منيع (١٤١٠). الطبقات الكبرى، بيروت، دار الكتب العلمية.
٧. ابن سيد الناس، محمد بن محمد يعمرى (١٤١٤). عيون الأثر في فنون المغازى و الشمال و السير، بيروت، دار القلم.
٨. ابن شهر آشوب مازندراني، محمد بن علي (١٣٧٩). مناقب آل ابی طالب، قم، علامه.
٩. ابن صوفى نسابه، علي بن محمد (١٤٢٢). المجدى فى انساب الطالبين، قم، مكتبة آيت الله المرعشي النجفي.
١٠. ابن طاووس، علي بن موسى (١٤٠٠). الطرائف فى معرفة مذاهب الطوائف، قم، خيام.
١١. ابن عبد البر، يوسف بن عبد الله (١٤١٢). الإستيعاب فى معرفة الأصحاب، بيروت، دار الجيل.
١٢. ابن عساكر، علي بن حسن (١٤١٥). تاريخ مدينة دمشق، بيروت، دار الفكر.
١٣. ابن قتيبه، عبد الله بن مسلم (١٩٩٢). المعارف، قاهره، الهيئة المصريه العامة للكتاب.
١٤. ابن كثير، اسماعيل بن عمر (١٤٠٧). البداية و النهايه، بيروت، دار الفكر.
١٥. ابن كلبى، هشام بن محمد (١٤٠٧). جمهرة النسب، بي جا، عالم الكتب.
١٦. ابن هشام، عبد الملك (بي تا). السيرة النبويه، بيروت، دار المعرفة.
١٧. ابوالفرج اصفهاني، علي بن حسين (بي تا). مقاتل الطالبين، بيروت، دار المعرفة.
١٨. ابونعيم، أحمد بن عبد الله (بي تا). حلية الأولياء و طبقات الأصفياء، قاهره، دار ام القرى.
١٩. أحمد بن محمد بن حنبل (١٤٣٠). فضائل الصحابه، قاهره، دار ابن الجوزى.
٢٠. اربلى، علي بن عيسى (١٣٨١). كشف الغمة فى معرفة الأئمه، تبريز، بنى هاشمى.
٢١. بلاذرى، أحمد بن يحيى (١٤١٧). كتاب جمل من أنساب الأشراف، بيروت، دار الفكر.
٢٢. بهراميان، علي (١٣٦٧). "جعفر بن ابی طالب"، دائرة المعارف بزرگ اسلامى، زير نظر كاظم

- موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۲۳. بیهقی، ابوبکر (۱۴۰۵). دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشريعة، بيروت، دار الكتب العلمية.
۲۴. ثعلبی، أحمد بن محمد (۱۴۲۲). الكشف و البيان المعروف تفسیر الثعلبی، بيروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۵. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (بی تا). المستدرک علی الصحیحین، بيروت، دار المعرفة.
۲۶. حمیری کلاعی، ابوالریع (۱۴۲۰). الإکتفاء بما تضمنه من مغازی رسول الله (ص) و الثلاثة الخلفاء، بيروت، دار الكتب العلمية.
۲۷. زبیری، مصعب بن عبدالله (۱۹۹۹). کتاب نسب قریش، قاهره، دار المعارف.
۲۸. سامانی، سید محمود و أحمد خامه یار (۱۳۹۲). "جعفر بن ابی طالب"، دانشنامه حج و حرمین شریفین، تهران، مشعر.
۲۹. السهیلی، عبدالرحمن (۱۴۱۲). الروض الأنف فی شرح السيرة النبویه، بيروت، دار إحياء التراث العربی.
۳۰. صالحی دمشقی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴). سبل الہدی و الرشاد فی سيرة خير العباد، بيروت، دار الكتب العلمية.
۳۱. صبحی صالح (۱۴۱۴). نهج البلاغه، قم، هجرت.
۳۲. صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵). علل الشرايع، قم، داورى.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰). إعلام الوری بأعلام الہدی، تهران، اسلامیه.
۳۴. طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۸). تاریخ الأمم و الملوك، بيروت، دار التراث.
۳۵. العاملی، سید جعفر مرتضی (۱۴۳۰). الصحیح من سيرة الإمام علی (ع)، المركز الإسلامی، للدراسات، بيروت.
۳۶. عودی، ستار (۱۳۷۵). "جعفر بن ابی طالب"، دانش نامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
۳۷. فتال نیشابوری، محمد بن أحمد (۱۳۷۵). روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، قم، رضی.
۳۸. فقهی زاده، عبدالهادی و سید جعفر صادقی (۱۳۹۳). "نقش عباسین در جعل و تحریف روایات مهدوی"، فصل نامه مشرق موعود، شماره ۲۹، بهار، صص ۱۳۵ - ۱۵۹.

۳۹. قاضی نعمان، ابن حیون (۱۴۰۹). شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، قم، جامعه مدرسین.

۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تهران، دار الکتب اسلامیة.

۴۱. مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۹). مروج الذهب و معادن الجوهر، قم، دار الهجره.

۴۲. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید.

۴۳. مقدسی، یدالله (۱۳۹۱). بازپژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان (ع)، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۴۴. ناظمیان فرد، علی (۱۳۸۸). "ایلاف قریش و تاثیر آن بر حیات اقتصادی و اجتماعی مکه در روزگاران پیش از اسلام"، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، شماره ۷۷، تابستان، صص ۱۰۳-۱۲۶.

۴۵. واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹). کتاب المغازی، بیروت، مؤسسة الأعلمی.

۴۶. هدایت‌پناه، محمدرضا (۱۳۹۱). زیرپیان و تدوین سیره نبوی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۴۷. یعقوبی، أحمد بن ابی یعقوب (بی‌تا). تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر.